

وصلت مبارک

طرف ایرانی با طرف کوبایی

(قسمت اول)

امیرفیض- حقوقدان

از خبرهائی که یقه تحریر را گرفته و رها نمیکنند تا به آن بپردازد خبروصلت شخصی زیرنام «رئیس» با یکنفر کوبایی است که خود را رهبری از سازمان های اپوزیسیون کوبا معرفی میکند.

برعایت اختصارنام آن شخص کوبایی (Izquierda Silvia Iriando) که عریض و طویل و برای ما ایرانیان ادای آن آسان نیست دراین تحریر طرف کوبایی و همچنین شخصی که بنام «رئیس» طرف وصلت قرار گرفته طرف ایرانی نامیده میشود.

قبل ازاینکه به خطبه عقد بین طرف ایرانی و کوبایی پرداخته شود آشنائی اجمالی با گرایشها و هماهنگی های فکری بین دوطرف ایرانی و کوبایی شاید لازم باشد.

دلیل محبت

حدود یکسال قبل یعنی درآبان ماه سال ۱۳۹۲ بنا بر خبرگزاری موسسه مطالعات آمریکا آقای اوپاما با برخی از رهبران اپوزیسیون کوبا در شهر میامی ملاقاتی داشته است.

یکروز پس از ملاقات مزبور طرف کوبایی در مصاحبه ای گفت: «دیدار با رئیس جمهوری آمریکا به معنای آن است که آمریکا پشتیبان اپوزیسیون کوبا است و من از ایشان خواستم که با رژیم کوبا وارد مذاکره نشود و اگر هم حتما لازم است با حضور ما باشد».

در گذشته های دور در ایران خودمان و شاید هم در کشورهای دیگر رسم این بود که وصلت های بین افراد قوم و قبائل، با اجازه و صلاح دید روعسا و کدخدایان صورت میگرفت (شیخ حسن رئیس جمهور آمریکا را کدخدا خطاب کرده است) و آنها بودند که صلاح و مصلحت طوایف و قبیله هارا در وصلت ها تشخیص و اجازه میدادند.

عجیب اینکه کمتر از یکسال که از ملاقات آقای اوپاما با طرف کوبایی میگذرد، خطبه عقد وصلت سیاسی بین طرف ایرانی و کوبایی به امضا میرسید.

بنابراین، یکی از نصیب های این تحریر بحث درباره خطبه عقد و وصلت سیاسی است که به آن پرداخته خواهد شد.

بنظر میرسد که آقای اوباما واقعا کارخیر و بجائی را وساطت کرده است زیرا آنطور که در تصاویر دیده میشود طرف کوبایی یک بوزینه بتمام عیار است که بسرعت دارد پیرو بقول اعلیحضرت <پیرو پاتال>^۱ میشود و آنطرف وصلت، یعنی طرف ایرانی هم گرچه نقطه مقابل طرف کوبایی از نظر جسمانی قرار دارند ولی ۳۵ سال است که خودی نشان نداده و کم دارد ترشیده میشود و باید یک تحولی که شاید همین وصلت سیاسی باشد جبران مافات کند.

ولی آن چیزی که دوطرف ایرانی و کوبایی را بهم نزدیک کرده بغیر از علاقمندی آقای اوباما تجانس فکری و عملی آنان است که عملا آن دورابه خطبه عقد رسانده است؛ و این مثال رایاد آور میشود که <آب آب را میجوید و هردو گودال را> و میتوان این مصداق را گرفت که <خدا (اوباما) نجار نیست ولی دروخته را خوب جور میکند>.



فصل تعادل در وصلت سیاسی

اولین تجانس فکری و سیاسی بین طرف ایرانی با طرف کوبایی را باید درخواست مشترک آن دوطرف در مذاکره مستقیم آمریکا با آنها دانست.

همانطور که در خبر موسسه مطالعات آمریکا ملاحظه کردید طرف کوبایی از باراک اوباما درخواست داشته که با دولت کوبا مذاکره نکند و با او یعنی طرف کوبایی مذاکره کند و اگر لازم است که با دولت کوبا مذاکره کند با حضور طرف کوبایی باشد.

میدانید که سالهاست طرف ایرانی عین درخواست طرف کوبایی را از آمریکا دارد و این درخواست از زمان بوش مرتبا تکرار شده است و در این اواخر است که این شانس را به رئیس جمهور آمریکا داده اند که اگر باید با حکومت ایران مذاکره بشود لاقلاً موضوع حقوق بشر فراموش نشود.

قدمت زمانی درخواست طرف ایرانی رساگر آن است که حق تقدم این درخواست با طرف ایرانی است اسناد مبارزه سیاسی نشان میدهد که طرف ایرانی در هر مصاحبه ای اتکای سخنان بر تجدید درخواست خودداری آمریکا از مذاکره با جمهوری اسلامی و تعلق انحصاری مذاکرات با اپوزیسیون بوده که در مواردی موضوع، مورد نقد و بحث سنگرها و تحریرات هم قرار گرفته است اصرار طرف ایرانی به خودداری آمریکا از گفتگوی با جمهوری اسلامی سبب شد که برخی از ایرانیان نیز خود را گم کرده و همین توقع را از آمریکا داشته باشند از جمله میتوان به درخواست آقای شرفشاهی مدیر روزنامه صبح ایران لوس آنجلس رجوع کرد که ۱۰ سال قبل از اینکه طرف کوبایی چنین درخواستی را از آمریکا عنوان کند نوشت:

«اکر آمریکا قصد براندازی جمهوری اسلامی را دارد باید باما صحبت کند» (سنگر ۳۳۲+۴۲۶)

دومین تجانس فکری بین طرف ایرانی و طرف کوبایی اعلام پشتیبانی و توسل به آمریکاست.

همانطور که در مصاحبه طرف کوبایی دیدید، طرف کوبایی ملاقات با باراک اوباما را بفال پشتیبانی آمریکا از اپوزیسیون کوبا گرفته و آنرا اعلام کرده است.

همین تجانس فکری را اعلیحضرت در سال ۱۳۸۰ هنگامیکه در کنگره آمریکا سخنرانی فرمودند در عبارت زیر بیان داشتند: «سطح تفاهم و تعهدی که رهبران کنگره برای دموکراسی و آزادی به عنوان راه حلی برای ثبات و صلح در کشور من نشان دادند مایه دلگرمی من شد». (مشروح سنگراول بهمن ماه)

اما موارد تجانس دیگر

آقای سالم سامرائی دکتر علوم شبه جزایر ایبری و آمریکای لاتین و متخصص روابط آمریکا و کوبا و استاد دانشگاه پاریس نوشته ای درباره اپوزیسیون کوبا دارد که تحریر حاضر تجانس فکری و عملی طرف ایرانی با طرف کوبایی را از آن استخراج و بعنوان دلیل وصلت سیاسی مزبور مورد استفاده قرار میدهد و بمنظور سهولت توجه، در این تحریر، اظهار نظر آقای سامرائی درباره اپوزیسیون کوبا با علامت یک ستاره * و تجانس آن با تخیلات فکری و عملی اپوزیسیون ایرانی و طرف ایرانی با علامت دو ستاره ** مشخص شده است.

آقای سالم سامرائی نوشته است:

۱- * هیچیک از مخالفین رژیم کوبا بینش سیاسی مشخصی ندارند

** دقیقاً در مورد مخالفین جمهوری اسلامی در خارج از کشور صادق است.

گری سیک گفت «فعالان سیاسی ایران منتظر کسی هستند که بجای آنها جنبش را سازمان دهی کند ایرانیان خارج میدانند که چه میخواهند»

نه تنها طرف ایرانی بلکه اساساً کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی میدانند که چه میخواهد؛ اپوزیسیون غرق در نظرات است که «نظر را هم پرکاهی از پریدن باز میدارد» شخص طرف ایرانی هیچگاه پایگاه فکری و سیاسی مشخصی ابراز نداشته و سردرگمی ایشان بر کسی پوشیده نیست. بر این امر چشمگیر و قابل تاسف تنها چند سالی در ابتدای مبارزه موقعیت سیاسی مشخصی از ایشان دیده شده است.

آقای پرویز قاضی سعید مفسر سیاسی و روزنامه نگار ایرانی هم نوشت: «ما برای یک ایدیولوژی خاص - یک فرد خاص و یک جریان فکری خاص نیست که فریاد میکنیم تقاضای ما این است که بما کمک کنید تا شرین اختاپوس را بکنیم و بعد نسبت به نوع رژیم تصمیم خواهیم گرفت»

یعنی اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور فاقد عقیده سیاسی است فقط فکر پول است.

۲- * هدف پشتیبانی از فعالیت های موثر از جریان مخالفین کوبا روی محور حقوق بشروندان ایرانی سیاسی است.

**** توازن و هماهنگی تحریم های کوبا با تحریم های یکطرفه آمریکا علیه ایران نیاز به توضیح ندارد و اصرار آمریکا در ارتباط دادن تحریم ها به مقوله حقوق بشر در موافقت نامه ژنو از نشانه های هماهنگی سیاست آمریکا در مورد اپوزیسیون کوبا و ایران است.**

در اینجا آقای ساموئل توضیحی داده است که حیف است از ذکر آن خودداری شود او نوشته: <کشورهای معدودی اتهامات نقض حقوق بشرو زندانیان سیاسی آمریکا به کوبا را قبول دارند از جمله کانادا که اصلا آزادی زندانیان سیاسی کوبا را رد کرده>. وی نوشته است دیپلمات های کانادا گفته اند: <وقتی فردی از ایالات متحده پول دریافت میکند آیا باید اورا زندانیان سیاسی بدانیم؟ آنها گفته اند تمام کشورهای غربی افرادی را که از نیروهای خارجی به هدف براندازی پول گرفته اند مجرم میدانند>. (قابل توجه عملیات آمریکادر اپوزیسیون)



از راست به چپ Izquierda Silvia Iriondo ، شاهزاده رضا پهلوی و Horacio Garcia

۳- * حدود نیم قرن است که آمریکا از اپوزیسیون کوبا پشتیبانی مادی میکند که ۳۰ سال محرمانه و ۲۰ سال اخیر آشکار است.

**** تا سال ۱۹۹۳ کمکهای مالی آمریکا به اپوزیسیون ایرانی آشکار نبود، کریستوفر در تاریخ ۲۹ جون ۱۹۹۳ در برنامه لری کینگ لایو Larry King Live گفت: <آمریکا در صد بر آمده تا با حمایت از گروههای طرفدار دمکراسی در ایران یک تحول اساسی در ایران بوجود بیاورد>.**

از سال ۲۰۰۶ زمان بوش که قانون آزادی ایران بتصویب کنگره رسید و آئین نامه های اجرایی آن بکار بسته شد دیگر همانطور که کمک مالی آمریکا از اپوزیسیون کوبا علنی شد از ایران هم علنی گردید.

۴- * حمایت مالی آمریکا از اپوزیسیون کوبا به چندین میلیون در سال میرسد و برخی از چهره های سرشناس اپوزیسیون توانسته اند به کاخ سفید راه یابند و با کارمندان عالیرتبه ملاقات هانی را داشته باشند.

** دقیقاً در مورد اپوزیسیون ایران هم صادق است ملاقاتهای فخرآور و سازگارا و دکتر نصر اصفهانی که خود ایشان حضور در کاخ سفید را اعلامیه کردند حجت بر مقابله است.

۵- * دیپلمات های آمریکائی با تاسف از منازعات داخلی گروه ها و نبود هم پایی بین اپوزیسیون کوبا یاد میکنند.

** به وقایعی که دیپلماتهای آمریکادر مورد کوبا اشاره کرده اند کپی چیزی است که ۳۰ سال است در اپوزیسیون ایرانی وجود عینی دارد.

گزارشگر نیویورک تایمز نوشت <رضاپهلوی در ۲۰ سال گذشته بارها ایرانیان را به اتحاد فراخواند ولی توفیقی نداشته است>.

<اگر می بینید که خارجیان به سراغ رژیم کنونی میروند برای این است که اپوزیسیون در مقابل رژیم نیست>.
(سخنرانی در جنوب فرانسه سال ۶۶)

<دنیا هنوز در مقابل جمهوری اسلامی آترناتیوی نمی بیند که به آن بچسبد>.

(بیانات در مصاحبه با چشم انداز سال ۷۲)

۶- * باینکه اپوزیسیون کوبا خودشان را نماینده هزاران کوبائی معرفی میکنند ولی ماهیچ نشانی از چنین پشتیبانی های مردمی ندیده ایم. این نظریه از سوی دیپلماتهای اروپائی نیز تائید شده است.

** تمام سازمان های اسمی ایرانی یکنفره و موهوم در خارج از کشور خودرایک سازمان سیاسی با شخصیت حقوقی و با هزاران عضو معرفی میکنند و اخیراً هم مد شده که بجای اسم افراد، نام های شخصیت های حقوقی موهوم را وسیله اغفال قرار میدهند به بیانیه های کنگره همبستگی نصر اصفهانی و همچنین قطعنامه شورای ناپیدا و بیانیه اخیر شان رجوع کنید.

اظهارات آقای سالم سامرایی باید دکانداران تزویر را متوجه کند که همانطور که آمریکا از نیرنگ و شامورتنی بازی اپوزیسیون کوبا آگاه است از اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور هم غافل نیست.

۷- * جامعه اروپا نیز اپوزیسیون کوبا را بی اعتبار دانسته و روی این نکته تاکید گذاشته که اپوزیسیون کوبا نماینده هیچکس نیست.

**** ادعائی که فعالان سیاسی ایرانی در خارج از کشور همواره خودرنامینده و بنماینده از سوی ملت ایران داد سخن میدهند. آنها مثل کبک عمل میکنند و خیال میکنند که کسی نمیداند که آنها از تن ها هم کمترند.**

۸- * **مردم کوبا از حکومت کوبا ناراضی هستند و انتقادات آنها حتی به رسانه هاهم کشیده میشود ولی باوجود همه این مشکلات روزمره مردم کوبا به استقلال و حاکمیت خودشان بسیار علاقمند هستند و نمی توانند به پذیرند که هموطنان آنها به خدمت قدرت خارجی در آمده اند که همواره چشم طمع به جزیره آنها دوخته اند.**

**** آفرین بر مردم کوبا که همانطور فکر و احساس دارند که مردم ایران دارند و همانقدر نسبت به اپوزیسیون نوکر آمریکا متنفرند که مردم ایران نسبت به عملجات ایرانی آمریکا متنفرند.**

۹- * **در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ دو قانون بنام قانون توریچلی و قانون هلمزبورتن در کنگره آمریکا بتصویب رسید که به رئیس جمهور آمریکا اجازه داده شده که به افراد و سازمان های غیردولتی مستقل برای پشتیبانی از فعالیت های دموکراتیک یاری دهد؛ گزارش کمیسیون کمک به اپوزیسیون کوبا حاکی است که دولت آمریکا برنامه مهمی برای پشتیبانی از جامعه مدنی به اجرا بگذارد بین کمک هایی که پیش بینی شده مبلغ ۳۶ میلیون دلار برای پشتیبانی از اپوزیسیون و جامعه مدنی سازمان یافته اختصاص داده شده است.**

**** هنگامیکه برای اولین بار اعلیحضرت صحبت از مبارزه مدنی و جامعه مدنی و مقاومت مدنی فرمودند همه این اصطلاحات تازه و نو در تاریخ مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی بدیع و گنج کننده بود. حتی بنده هم درسنگرها در مقام نقد شرحی گذاشتم که مقاومت مدنی یعنی در مقابل حقوق مدنی مقاومت کردن و مثال زدم یعنی ندادن طلب اشخاص و ندادن نفقه و ندادن حقوق کارگران و آنچه به حقوق مدنی تعلق دارد و این اعتراض به میان آمد که مبارزه مدنی کار سیاسی نیست و توجهی به مبارزه علیه جمهوری اسلامی ندارد.**

آن زمان هرگز قابل درک و تصور نبود که زایش اصطلاحات مزبور در مبارزه اپوزیسیون جمهوری اسلامی، منتبع پیاده شدن آن در قانون توریچلی آمریکاست و تاسی اعلیحضرت به اصطلاحات مزبور مصداق حبه دست ننه نگاه کن غریبه کن است و مشمول ساختن مبارزه ایرانیان به قانون توریچلی زمینه های مساعدی را برای دریافت کمک از آمریکا فراهم خواهد ساخت.

موقع شناسی طرف ایرانی

موقع شناسی طرف ایرانی، نه از باب مبارزه علیه جمهوری اسلامی که خودایشان همانطور که در سالهای نخست مبارزه فرمودند اکنون نیز استحضار کامل دارند که **دریافت کنندگان پول از آمریکا جانی در ایران نخواهند داشت** و آمریکا بیش از همه پس از استفاده آنها را طرد خواهد کرد ولی از نظر مالی موقع شناسی طرف ایرانی با ظرفیت خاصی همراه است که درک آن چندان مشکل نیست.

مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی بمراتب بسیار سخت و دشوارتر از مشکل آمریکا و کوبا است. نگاه اجمالی به سیر کمکهای مصوبه کنگره به اپوزیسیون کوبا که مفصل و مشروح آن در تحقیق آقای سالم آمده نشان

میدهد که کمکها، بسیارریشه دارو هوشمندانه و کلی است و زمان آن به ایجاد دمکراسی و آزادی و رفع دیکتاتوری موکول شده است. (یعنی نامحدود) ولی مزایائی که به اپوزیسیون ایرانی از سوی آمریکا تعلق گرفته تق و لقا است. صیغه عقد بین طرف ایرانی و کوبائی و اعلام هدف مشترک و مسیرمشترک این حق را برای اپوزیسیون ایرانی بوجود میآورد که در اخذ کمک از آمریکا لاقلا برابر با کوبا باشد.

این گشایش مالی برای عملجات ایرانی آمریکا، گرچه قابل ملاحظه! است ولی نکبت و مسئولیت های حاصله از آن فقط متوجه طرف ایرانی که بعنوان رئیس عقد نامه را امضا کرده خواهد بود زیرا رئیس دارای سمت رسمی نیست.

(پایان قسمت اول)